



تحتفظوا بغير انكشاف حقوق
International Development Law Organization
Organisation Internationale de Droit du Développement
سازمان بين المللي انكشاف حقوق

بخش اجراءات جزائى

جزوه شماره (۷)

كشف جرم

(Detection of Crime)

حمل ۱۳۹۹

تهيه و ترتيب: سازمان بين المللى انكشاف حقوق (IDLO)

كابل، افغانستان

وب سايت: www.idlo.int

در مورد این جزوه

تمام مواد و مندرجات این جزوه در مطابقت با قوانین افغانستان ترتیب گردیده است. به منظور اطمینان از مطابقت با تعدیلات جدید در قوانین افغانستان لازم است این جزوه در فواصل زمانی معین مورد بازنگری قرار گیرد. حق هر نوع تغییر جزئی یا کلی در این جزوه مربوط به سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق (IDLO) میباشد.

تمام موادی که محتوی این کتاب را تشکیل میدهد برای استفاده شخصی و غیر تجارتي شما است. حق طبع این مواد برای سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق (IDLO) محفوظ می باشد.

فهرست مطالب

فصل اول

کشف جرم و پولیس افغانستان

- ۳ مبحث اول: تعریف جرم و کشف جرم: ۳
- ۳ گفتار اول: تعریف جرم: ۳
- ۳ گفتار دوم: تعریف کشف جرم: ۳
- ۴ مبحث دوم: پولیس افغانستان: ۴
- ۴ گفتار اول: تعریف پولیس: ۴
- ۵ گفتار دوم: ساختار و ترکیب پولیس: ۵
- ۷ گفتار سوم: ساختار وظیفه ای پولیس: ۷
- ۹ مبحث سوم: حقوق و مکلفیت های پولیس: ۹
- ۹ گفتار اول: حمایت جزائی از پولیس: ۹
- ۱۰ گفتار دوم: مسئولیت جزائی پولیس: ۱۰
- ۱۳ نتیجه گیری: ۱۳

فصل دوم

وظایف و صلاحیتهای پولیس

- ۱۶ مبحث اول: وظایف شکلی: ۱۶
- ۱۶ ۱. ارائه گزارش وقوع جرم به خرنوال: ۱۶
- ۱۶ ۲. ثبت اقدامات و اجراءات: ۱۶
- ۱۷ ۳. تطبیق اوامر خرنوال: ۱۷
- ۱۸ ۴. محرمت (محرمت معلومات): ۱۸
- ۱۹ مبحث دوم: وظایف ماهوی پولیس: ۱۹

۱. رعایت و تأمین حقوق مظنون و متهم: ۱۹.....
۲. گرفتاری مظنون ۲۳
۳. وظایف پولیس بعد از گرفتاری ۲۶
- مبحث سوم: نظارت خارنوال بر اجراءات پولیس ۲۸
- ارجاع قضیه به خارنوال ۲۸
- صلاحیت خارنوال بر فیصله اتخاذ شده توسط پولیس ۲۹
- نتیجه گیری ۳۲
- فهرست مآخذ ۳۳

مقدمه

یکی از اصول اصلی اجراءات جزایی همان اصل سلسله مراتب است که مانع تمرکز و انحصار قدرت عدالت جزایی در دستان یک شخص یا یک ارگان میشود. این بدان معنی است که چندین ارگان در امر اجراءات جزایی سهیم میباشند و هر کدام آنها یک مرحله اجراءات را که ممکن است کشف، تحقیق یا محاکمه باشد به عهده دارند. هر کدام آنها در بخش و فعالیت های خویش تخصص دارند و وظایف مختلف را در محدوده صلاحیت خود به عهده میگیرند.

بنا بر این، وظیفه کشف جرم مربوط به پولیس میشود، مسؤلیت تعقیب عدلی و تحقیق مربوط به خارنوال ها میباشد و بالاخره، قاضی است که بر مبنای حقایق قضیه و قوانین نافذه فیصله میکند.

اهمیت موضوع: مرحله کشف یکی از مهمترین مراحل تعقیب عدلی است، چون جمع آوری مدارک جرمی و تشخیص مجرم در این مرحله صورت می گیرد، که در واقع اساس دوسیه جزائی است. چون اگر مدارک به شکل درست تشخیص و جمع آوری نشود، مجرمین (فاعلین، شرکاء و معاونین) درست شناسایی نشوند، در مراحل بعدی عدالت جزائی درست تطبیق نمی شود.

سازماندهی جزوه آموزشی: در این جزوه، روی مرحله اول که عبارت از کشف جرم است بحث صورت میگیرد. کشف چیست؟ نهادهای کشفی کدام است؟ حقوق و مکلفیتهای پولیس کدام است؟ چگونه از آنها حمایت می شود؟ و در صورت تخلفات جزایی مسؤلیتهای جزائی آنها چیست؟ و اخیرا اینکه وظایف و صلاحیتهای آنها کدام است؟ پرسشهایی است که در این جزوه آموزشی بررسی می گردد. بنابراین، این جزوه به دو فصل تقسیم می شود: در فصل اول، مفهوم کشف بیان می گردد، پولیس معرفی می گردد و حقوق و مکلفیتهای آنها توضیح می گردد. در فصل دوم، وظایف و صلاحیتهای پولیس شحر میگردد.

فصل اول

کشف جرم و ساختار پولیس افغانستان

اهداف درس اول:

در اخیر این درس، اشتراک کنندگان قادر خواهند بود تا:

۱. کشف جرم را تعریف نمایند؛
۲. ترکیب پولیس افغانستان را شرح دهند؛
۳. بین پولیس اداری و پولیس عدلی تفکیک نمایند؛ و
۴. قواعد مربوط به حمایت از پولیس و مسؤولیت جزائی وی را شرح و تطبیق نمایند.

عناوین درس اول:

۱. تعریف کشف جرم
۲. ساختار ترکیبی پولیس
۳. ساختار وظیفوی پولیس
۴. حمایت و مسؤولیت جزائی پولیس

فصل اول

کشف جرم و پولیس افغانستان

یکی از وظایف و صلاحیت های عمده پولیس در یک کشور، کشف جرایم می باشد، در کشور عزیز ما افغانستان نیز طبق ماده ۱۳۴ قانون اساسی " کشف جرایم توسط پولیس و تحقیق جرایم و اقامه دعوا علیه متهم در محکمه، از طرف خارنوالی، مطابق به احکام قانون صورت میگیرد".

" کشف جرایم" با کلمه " پولیس" ارتباط نزدیک و مداومی داشته و در بسیاری از موارد مقترن به همدیگر، ذکر می گردد، و ازینکه موضوع این جزوه درسی به " کشف جرایم" اختصاص یافته است، لذا به جا خواهد بود تا در آغاز هریک از اصطلاحات " کشف جرم" و " پولیس" تعریف گردد:

مبحث اول: تعریف جرم و کشف جرم:

کشف جرم مرکب از دو کلمه " کشف" و " جرم" می باشد .

کشف از حیث لغوی کلمه مألوف و متداولی بوده و به معنی پیدا کردن چیزی می باشد. اما کلمه جرم ، افزون بر معنای لغوی، معنای اصطلاحی و قانون نیز دارد، که در ذیل ابتدا کلمه " جرم" و سپس تعریف اصطلاحی " کشف جرم" بیان خواهد شد:

گفتار اول: تعریف جرم:

مراد از جرم طبق ماده ۲۷ کود جزا " ارتکاب عمل یا امتناع از عملی است که مطابق احکام این قانون، جرم شناخته شده، عناصر آن مشخص و برای آن مجازات یا تدابیر تأمینی تعیینی گردیده باشد".

گفتار دوم: تعریف کشف جرم:

" کشف جرم" در بند ۱ ماده ۴ قانون اجراءات جزایی ۱۳۹۳ چنین تعریف گردیده است:

" کشف جرم: اجراءاتی است که بمنظور جلوگیری از ارتکاب جرم و تشخیص مرتکب آن، نحوه و علت ارتکاب، تثبیت محل و حفظ آثار و اشیای متعلق به جرم ارتکاب یافته، صورت می گیرد".

بموجب بند چهارم ماده پنجم قانون پولیس، "کشف به موقع جرایم، گرفتاری مظنونین و مرتکبین مطابق به احکام قانون" یکی از مکلفیت های اساسی پولیس دانسته است.

مبحث دوم: پولیس افغانستان :

نیروی پولیس در تشکیل دولت افغانستان - و همچنان در سایر دولت های معاصر - جزء عمده و اساسی قوه مجریه بوده و در تأمین نظم و امنیت و همچنان تطبیق قوانین نافذ کشور، نقش حیاتی دارد. در نظام های اداری و سیاسی مبتنی بر حاکمیت قانون، پولیس یک عنصر اساسی در تحکیم حاکمیت قانون پنداشته می شود. در جامعه مدرن، نقش پولیس حفظ صلح، نظم و امنیت میباشد. پولیس برای انجام این وظایف، قدرت بیشتر داشته و در پهلوی آن مسئولیت ها و وظایف سنگین نیز دارد. در این جزوه، ابتدا، پولیس تعریف گردیده و سپس روی ترکیب یا ساختار، صلاحیت ها و مکلفیت های آنان، بحث خواهد شد:

گفتار اول: تعریف پولیس:

واژه "پولیس" به فعالیت های امنیتی مردم، به مالکیت و حفظ نظم عامه از طریق تنفیذ قانون اشاره میکند. پولیس در ماده دوم قانون پولیس، منتشره جریده رسمی شماره ۹۴۴ مؤرخ ۱۳۸۸/۶/۵، چنین تعریف گردیده است:

"پولیس: شامل افسر، ساتنمن و ساتونکی بوده که در تشکیل وزارت امور داخله استخدام و جهت تأمین نظم و امن عامه طبق احکام قانون فعالیت می نماید".

قانون اساسی کشور که خطوط اساسی مکلفیت ها و صلاحیت های نهاد های دولت و حقوق و وجایب شهروندان را ترسیم می کند،

ماده ۱۳۴ قانون اساسی، وظایف پولیس را بیان می دارد، بر علاوه قانون اساسی، قوانین دیگری چون قانون اجراءات جزایی، قانون کشف و تحقیق جرایم، قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، و قانون مبارزه علیه مواد مخدر نیز به وظایف مختلف پولیس می پردازد.

مگر در میان این همه قوانین، تنها قانون فوق الذکر پولیس افغانستان است که مفصلاً وظایف و صلاحیت های پولیس را مشخص می سازد.

در ادامه این مبحث، سه جنبه متعلق به ترکیب، حقوق و وجایب، و وظایف و مکلفیتهای اساسی پولیس، به بحث و بیان گرفته خواهد شد:

گفتار دوم: ساختار و ترکیب پولیس

پولیس ملی افغانستان همراه با پولیس مبارزه با مواد مخدر و ریاست مبارزه با تروریسم از نهاد های هستند که تحت نظارت و مسئولیت وزارت داخله جمهوری اسلامی افغانستان قرار دارند. پولیس ملی افغانستان از ادارات فرعی متعدد ترکیب شده است که برخی از آنها ذیلاً معرفی می گردد:

مطلب اول: پولیس یونیفرم دار افغانستان:

پولیس یونیفرم دار افغانستان سازمان اولیه تنفیذ قانون مدنی در افغانستان میباشد. پولیس یونیفرم دار به زونهای مختلف تقسیم شده اند (چون زون شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز) و پولیس نظم عامه تقسیم شده است. دیگر نیرو های که تحت نظارت و کنترل پولیس ملی افغانستان قرار دارند عبارت اند از ریاست های محلی پولیس و ریاست اطفائیه.

مطلب دوم: پولیس سرحدی افغانستان:

پولیس سرحدی افغانستان مسئول تأمین امنیت تمام سرحدات افغانستان با کشور های همسایه و میادین هوایی بین المللی افغانستان در مقابل ورود غیر قانونی اشخاص و قاچاق اشیای غیر مجاز میباشد. پولیس سرحدی افغانستان به شش زون ساحوی تقسیم شده است. وظایف مشخص پولیس سرحدی افغانستان شامل موارد ذیل میباشد:

- تأمین گز مه امنیتی در سرحدات در حدود یک ساحة امنیتی که ۵۵ کیلومتر در داخل قلمرو افغانستان گسترش یافته است.
- ارائه خدمات مهاجرتی/ویزا و تحقیق تخلف از قواعد مهاجرت.
- ایجاد و حفظ نکات عبور از سرحد، به شمول تمام میادین هوایی بین المللی در کشور.
- تأمین امنیت پیرامون، ساختمان، هواپیما و مسافین میادین هوایی بین المللی.
- گرفتاری و برگشت دهی اشخاص غیر قانونی.

مطلب سوم: ریاست تحقیقات جنایی:

ریاست تحقیقات جنایی دارای بیشتر از چهار هزار عضو در سراسر کشور که اکثریت آنان در کابل مستقر اند میباشد. وظایف آنان تحقیق محل واقعه، اجراءات طب عدلی، مستند سازی جرم، و همکاری با نهاد های دیگر بشمول همکاری از طریق لابراتوار جنایی مستقر در وزارت امور داخله.

بخش های اصلی پولیس ملی افغان شامل موارد ذیل میباشد:^۱

مطلب چهارم: پولیس ملی نظم عامه:

یک بخش اختصاصی نیروهای پولیس میباشد که در ساحات شهری و روستایی تقسیم شده اند. این بخش پولیس برای مبارزه علیه ناآرامی های ملکی آموزش دیده و تجهیز شده اند. واحد های شهری نظم عامه را در شهر ها حفظ میکنند، در حالیکه واحد های روستایی در مناطق دور افتاده با تهدید های بلند امنیتی حضور داشته و امنیت را در آن مناطق تأمین مینمایند.

مطلب پنجم: پولیس مبارزه علیه مواد مخدر:

اداره رهبری کننده تنفیذ قانون بوده که مسئول کاهش تولید و توزیع مواد مخدر در افغانستان میباشد. این بخش از پولیس وظایف خود را از طریق رویکرد چند جانبه برای مبارزه علیه مواد مخدر، همکاریهای استخباراتی، ممانعت و قلع و قمع مواد مخدر و اطلاعات عامه ایفا مینماید.

مطلب ششم: پولیس محلی افغان:

این بخش از پولیس در ماه اگست سال ۲۰۱۰ به اساس حکم رئیس جمهور کرزی ایجاد گردید. این برنامه مؤقتی برای دو الی پنج سال پیشبینی شده تا خلای موجود در پولیس ملی افغان را تلافی نمایند. این بخش از پولیس واحد های محلی دفاع خودی را تحت فرماندهی وزارت امور داخله ایجاد میکنند که توسط قوماندان امنیه ولسوالی نماینده گی میگردد. این پروگرام تیم های مراقبت از روستاها را به نماینده گی از اجتماع و پاسخگو به اجتماع ایجاد میکند. با تأسیس پولیس محلی افغان در ساحات ایکه نیروهای

^۱ http://www.nato.int/nato_static/assets/pdf/pdf_۲۰۱۰_۱۱/۲۰۱۱۰۳۱۰_۱۰۱۱۲۲-media-backgrounder-ANSF.pdf

پولیس افغان بطور غیر کافی در آنجا فعالیت میکنند، این پروگرام نیروهای امنیتی افغانستان را حمایت میکند. این پروگرام مسئول واکنش در بخش های محلی ای که در پی دفاع از خود در برابر شورشیان اند، میباشد.

گفتار سوم: ساختار وظیفه ای پولیس

پولیس وظایف دوگانه دارد: وظایف پولیس اداری و وظایف پولیس عدلی. پولیس اداری وظیفه حفظ نظم را و مشخصاً جلوگیری از وقوع جرم را به عهده دارد. پولیس دارای صلاحیت نظارت و گرفتاری میباشد. پولیس جرایم را کشف و مجرمین را تعقیب میکند. لذا تفکیک واضحی میان دو نقش پولیس وجود ندارد. مثلاً: پولیس ترافیک بطور عادی وظیفه پولیس اداری را ایفا مینماید. اما اگر او مشاهده کند که راننده از چراغ سرخ عبور کرد وی متخلف را تعقیب کرده و به پولیس عدلی مبدل میگردد. مثال دیگر زمانیکه یک مامور پولیس هویت اشخاص را بازرسی میکند، وی در حال حفظ نظم و در ضمن در پی مجرمین پنهانی میباشد، فلذا اکثراً یک نظارت عادی پولیس اداری منتج به کشف یک جرم میگردد.

ا. پولیس اداری

این نوع پولیس را پولیس امنی یا وقایوی نیز میگویند زیرا آنان هر نوع تهدیدی به امنیت، قانون یا نظم را محو میکنند. در معنی محدودتر کلمه، پولیس اداری به تمام آنچه که در جلوگیری از جرم، اختلال یا بی نظمی و خشونت دخیل میباشد، گفته میشود.

مثال های از پولیس اداری ممکن جلوگیری از پخش فلم های مبتذل، صدور غیر قانونی جواز راننده گی یا جلوگیری از خرابکاری میباشد. بدین ترتیب حفظ نظم عامه، جلوگیری از وقوع جرم، همکاری و تأمین صلح و امنیت افراد جامعه از جمله وظایف پولیس اداری میباشد.

ب. پولیس عدلی

پولیس عدلی زمانیکه جرم بوقوع پیوسته باشد، فعالیت میکند. وظایف پولیس عدلی شامل کشف جرم، ممانعت از فرار مظنونین و مجرمین ای که گرفتار شده اند میباشد؛ آنان باید شواهد جرمی را بدست آورده

و دوسیه را به خارنوال تسلیم نمایند. به عبارت دیگر، ماموریت پولیس اداری در زمان قبل از وقوع جرم انجام میشود و وظیفه پولیس عدلی بعد از وقوع جرم آغاز میگردد. لهذا عموماً گفته میشود که وظیفه پولیس عدلی بعد از اینکه وظیفه پولیس اداری ختم شد، آغاز میگردد. بر مبنای اهداف مشخص و عملیات ساحوی، پولیس میتواند به پولیس جنایی، تخنیکی، علمی یا جرم شناسی، پولیس مربوط به شهرداری، نظامی، اطفال، شکارچی، سیاسی و غیره تقسیم گردند.^۱

قانون اجراءات جزائی جدید افغانستان مامور ضبط قضائی را شخصی تعریف میکند که مطابق احکام قانون صلاحیت کشف و جمع آوری دلایل اثبات و استجواب را در حدود احکام این قانون به عهده داشته باشد. فقره دوم ماده ۴ قانون اجراءات جزائی جدید افغانستان اشخاص مسلکی ایرا ذکر میکند که من حیث مامورین ضبط قضایی دارای صلاحیت میباشند و این اشخاص قرار ذیل اند:

- پولیس.

- مؤلف ریاست عمومی امنیت ملی.

- مفتش اداره عالی تفتیش.

- مؤلف تفتیش داخلی وزارت ها و ادارات دولتی.

- مؤلف اداره مبارزه علیه فساد اداری.

^۱ حسین غلامی، مبانی حقوق و عدالت جزائی افغانستان، ص ۲۱۲.

مبحث سوم: حقوق و مکلفیت های پولیس

پیچیده گی وظایف پولیس و رابطه میان فعالیت های پولیس و حالات ایکه فعالیت میکند باید روشن باشد تا اینکه توازن میان حقوق و مکلفیت های آن برقرار گردد

نیروی پولیس برای حفظ آزادیهای بنیادین و جامعه انسانی ایجاد گردیده است. اما واضح و روشن است که محول کردن این صلاحیت ها در یک زمان خطر خشونت های جدی ایکه منجر به نقض قانون خواهد گردید را ایجاد میکند. اما حفاظت پولیس در مقابل تجاوز، مقاومت، توهین یا خشونت تا آنان از تعرضات مصئون بوده و وظایف دولتی خویش را ایفا نمایند، یکی از ضروریات میباشد.

گفتار اول: حمایت جزائی از پولیس

هدف از مصونیت جزائی برای پولیس تعریف و تعیین جرم و مجازات است برای اشخاصیکه در مقابل پولیس حین ایفای وظیفه مرتکب جرم یا عمل غیر قانونی گردند. این مصونیت در بسیاری از احکام قانونی تصریح گردیده است. مطابق فقرة ۱ ماده ۳۵۸ کود جزا، «شخصی که به اشاره، قول یا فعل یا وسیله دیگر مؤظف خدمات عامه را حین اجرای وظیفه و یا به سبب اجرای آن توهین نماید، به جزای نقدی از پنج هزار تا سی هزار افغانی، محکوم می گردد». ماده ۳۵۴ کود جزا تصریح مینماید که «شخصی که علیه مؤظف خدمات عامه با استعمال قوه، شدت، تخویف یا تهدید تجاوز کند یا به تجاوز شروع نماید، به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی و یا به هردو جزا، محکوم می گردد». مشابه ماده ۳۵۵ کود جزا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی را برای شخصیکه مؤظف خدمات عامه را با تعقیب دوامدار، توقف در جوار منزل یا محل وظیفه او به قصد تهدید یا منع او از اجرای وظیفه به نحوی از انحا مورد تجاوز قرار دهد، پیشینی میکند. هرگاه با اثر مقاومت یا تجاوز شخص علیه مؤظف خدمات عامه ضرب یا جرح صورت گیرد، مرتکب طبق ماده ۳۵۶ کود جزا به حبس متوسط یا جزای نقدی از شصت هزار الی سه صد هزار محکوم میگردد. هرگاه به اثر ضرب و جرح مجنی علیها برای بیش از بیست روز از انجام کار

عاجز ماند، مرتکب به حبس متوسط تا دو سال محکوم میگردد. اگر ضرب یا جرح به معلولیت دائمی منجر گردد مرتکب طبق ماده (۳۵۷) کود جزا حسب احوال به حبس متوسط یا طویل محکوم میگردد. طبق ماده ۳۵۸ کود جزا، هرگاه شخص به اشاره یا قول یا تهدید مؤلف خدمات عامه را در اثنای اجرای وظیفه و یا به سبب ادای آن توهین نماید، به جزای نقدی از پنج هزار تا سی هزار محکوم میگردد. هرگاه شخص مؤلفین خدمات عامه را باطلاع دروغ یا عرایض خلاف حقیقت به اضطراب اندازد، طبق ماده ۳۵۹ کود جزا «...به حبس قصیر یا جزای نقدی از بیست هزار تا شصت هزار افغانی و جبران خساره وارده نیز محکوم می گردد». ماده ۴۵۵ کود جزا اشعار میدارد که هرگاه شخصی بدون مجوز قانونی خود را به لقب افتخاری، یا رتبوی یا وظیفوی قضائی معرفی نماید و یا بصورت علنی نشانی را تعلیق کند که برایش اعطا نگردیده، به جزای نقدی از پنج هزار تا بیست هزار افغانی محکوم میگردد.

بسیاری از احکام قانون مصونیت کامل ایرا برای پولیس حین اجرای وظیفه به سطح جامعه مقرر مینماید. این مقررات بر موقعیت بست های پولیس، نشان و یونیفرم، و وظایف و مسئولیت های شان حاکم است. بعد از مرور تمام مقررات و احکام میتوان نتیجه گرفت که قانونگذار تلاش کرده است تا مصونیت جزائی وسیعی را از بست پولیس گرفته حتی نشان ها و یونیفرم پولیس تا پرستیز، بدن، حیات و امنیت پولیس در مقابل هر شکلی از تجاوز و تعرض مقرر نماید.^۱

گفتار دوم: مسئولیت جزایی پولیس

پرسونل پولیس در صورتیکه از صلاحیت های قانونی خویش تخلف ورزند دارای مسئولیت جزایی میباشند. و یا در صورتیکه به امانت اعطا شده توسط دولت جهت حفظ نظم عامه و امنیت خیانت ورزند، دارای مسئولیت جزایی میباشند. بدیهی است به غیر از مسئولیت جزائی در صورتیکه قانون را نقض کرده و یا وظایف خود را مطابق قانون انجام ندهند تدابیر انضباطی و اداری نیز بالای شان تطبیق میگردد.

کود جزا اعمال غیر قانونی پولیس و دیگر مؤلفین عدلی و قضایی را تنظیم میکند. این احکام اشخاص را در برابر چنین اعمالی از جانب مؤلفین خدمات عامه محافظت میکند. ماده ۳۷۵ کود جزا چنین مشعر

^۱ حسین غلامی، مبانی حقوق و عدالت جزائی افغانستان، ص ۲۹۴.

است: " هرگاه رشوت گیرنده، رشوت دهنده یا واسطه رشوت، مامور ضبط قضائی، خارنوال یا مؤلف خارنوالی، قاضی یا مؤلف محکمه باشد، مرتکب علاوه بر حد اکثر مجازات مندرج این فصل، به طرد از مسلک یا انفصال از وظیفه نیز محکوم می‌گردد."

بر علاوه مطابق فقرة ۲ ماده ۳۷۰ کود جزا، هر گاه مؤلف خدمات عامه چیزی را طلب کرده و یا بمنظور گرفتن بخشش در یکی از مکلفیت های وظیفوی خود امتناع ورزیده یا خللی در آن وارد نماید رشوت دهنده محسوب می شود و مطابق ماده ۳۷۱ کود جزا محکوم به مجازات می گردد.

مزید برآن، ماده ۳۸۸ الی ۳۹۸ کود جزا مجازات های مختلفی را برای مؤلفین خدمات عامه که مرتکب اختلاس شده اند مقرر میدارد. برخی از جرایم ای که توسط مؤلفین خدمات عامه و مشخصا توسط پولیس ارتکاب مییابد، به ایفای نقش آنان برای تطبیق قانون مرتبط مییابد. به همین منظور این جرایم را سوء استفاده از صلاحیت وظیفوی یاد مینمایند. این جرایم ای که در جریان انجام وظایف توسط مؤلفین خدمات عامه ارتکاب مییابد شامل: شکنجه (مواد ۴۵۰ الی ۴۵۲ کود جزا) سوء استفاده از وظیفه یا موقوف (ماده ۴۰۳ کود جزا و مابعد آن)، دخول بدون اجازه به منزل شخص (ماده ۴۴۷ کود جزا)، رویه خشن و ظالمانه با شخص که منجر به آلام جسمی و منافی آبرو و حیثیت شخص گردد (ماده ۴۴۸ کود جزا)، تصرف غیر قانونی و اجباری مال شخص دیگری یا اجبار مالک به فروش مال خویش (ماده ۴۴۹ کود جزا)، ممانعت از تطبیق عدالت (ماده ۴۶۶ کود جزا)، متوقف ساختن احکام قوانین، مقررات، حکم، قرار و امر محکمه عمدا و بدون مجوز قانونی (ماده ۴۰۷ کود جزا). ماده ۲۸۰ قانون جزا در رابطه به اهمال مؤلفین خدمات عامه بشمول پولیس در خصوص حفاظت اوراق، اسناد و یا دوسیه های متعلق به دولت (ماده ۴۵۸ کود جزا). استتکاف و یا ترک وظیفه به گونه جمعی به مقصد نیل هدف غیر قانونی (ماده ۴۰۸ کود جزا).

از یک جانب مسئولین پولیس در صورت انجام وظایف خود بگونه مقتضی توسط قانون حمایت میگردند و از جانب دیگر مسئولیت جزائی آنان در قانون جزا در صورت انجام اعمال غیر قانونی تعریف گردیده

است. برای اینکه تنفیذ قانون مؤثر و پاسخگو باشد، مسئولیت جزائی موظفین خدمات عامه به شمول پولیس توجه خاص و مداوم را ایجاب مینماید.^۱

فعالیت شماره (۱)

قضیه فرضی:

عبدالحمید یک کارگر روز مزد است که تقریباً ۵۰ سال عمر دارد و ۵ عضو فامیل دارد. او هر روز به بازار کار می رود اما تقریباً ۱۵ روز است که هیچ کس وی را به کار نبرده است. او به جز از دستمزدی که روزانه کسب می کند، کدام عاید و درآمد دیگری ندارد. وی در اثر این وضعیت و بیچارگی به اختلال روانی دچار می شود. یک روز در حالیکه از کنار یک فروشگاه مواد غذایی که مملو از مشتریان است می گذرد، فرصت را غنیمت شمرده و یک کیسه برنجی را که حدوداً ۱ کیلوگرام وزن دارد، دزدی می کند. یک مامور پولیس که در بیرون از فروشگاه ایستاده است متوجه عمل وی می گردد و او را به دلیل ارتکاب جرم مشهود دستگیر می نماید.

آیا در قضیه فوق رفتاری طبق قانون صورت گرفته است یا خیر؟ اصل قانونیت چطور در قانون تصریح شده است؟

^۱ حسین غلامی، مبانی حقوق و عدالت جزائی افغانستان، ص ۲۹۶.

نتیجه گیری:

در این فصل راجع به کشف جرم و پولیس به حیث مرجعی که جرایم را کشف می نماید بحث صورت گرفته و به نتایج ذیل دست یافتیم:

۱. کشف جرم: اجرائتی است که بمنظور جلوگیری از ارتکاب جرم و تشخیص مرتکب آن، نحوه و علت ارتکاب، تثبیت محل و حفظ آثار و اشیای متعلق به جرم ارتکاب یافته، صورت می گیرد.
۲. پولیس به دو بخش تقسیم می شود: پولیس اداری و پولیس عدلی. پولیس اداری در بخش وقایع جامعه از جرایم و تأمین نظم فعالیت می نماید؛ درحالیکه پولیس عدلی بعد از وقوع جرم به منظور کشف جرم، مجرم و دلایل جرم فعالیت می نماید.
۳. بخاطریکه پولیس بتواند وظایف خود را بهتر اجرا نماید، قانون ضمانتها و حمایت های بیشماری از او نموده است. هرگونه تعدی بر ضد او، توهین و یا مقاومت علیه او را منع نموده است. در این فصل روی این حمایت به تفصیل بحث صورت گرفته است.
۴. ضمناً تخطی های پولیس را نیز جرم انگاری نموده است که در این فصل بررسی گردیده است.

فصل دوم

وظایف و صلاحیتهای پولیس

اهداف:

در پایان این جلسه آموزشی اشتراک کنندگان قادر خواهند شد تا:

۱. وظایف پولیس را تشخیص و تطبیق نمایند؛
۲. اصول و مقررات مربوط به حقوق مظنون را در مرحله کشف جرم بخصوص در هنگام گرفتاری و استجواب مراعات نمایند؛
۳. احکام قانون مربوط به مدت و روش توقیف و گرفتاری را رعایت کنند؛
۴. اصول حاکم بر روابط پولیس و حارنوال را شرح و تطبیق نمایند؛ و
۵. وظایف خاص پولیس در قبال جرم مشهود را شناسایی و تطبیق نمایند.

عناوین:

۱. وظایف شکلی پولیس:
 - گزارش به حارنوال
 - ثبت اقدامات و اجراءات
 - تطبیق اوامر حارنوال
 - حفظ محرمانیت
۲. وظایف ماهوی پولیس:
 - رعایت حقوق مظنون و متهم
 - گرفتاری مظنون
 - وظایف بعد از گرفتاری

فصل دوم

وظایف و صلاحیتهای پولیس

طبق فقره ۳ ماده ۸۰ قانون اجراءات جزائی جدید، پولیس مکلف است تا در جریان ۲۴ ساعت از کشف جرم به خازنوال مربوط اطلاع دهند.

اجراءات پولیس عدلی توسط یک مامور پولیس ایکه در عملیات سهم داشته ثبت میگردد.

وظایف تیم تحقیقات با وصول راپوری آغاز میگردد که علاوه بر هویت راپور دهنده و راپور گیرنده در برگیرنده سوالات WH (سوالات طلایی) یا سوالات طلایی میباشد مانند کی، چی وقت، در کجا، و غیره که به این سوالات باید پاسخ داده شود. و همچنان یک خازنوال و نماینده بخش کریمینالستیک باید جهت همکاری در ترکیب هیئت وجود داشته باشند.

مقامات مسئول در جریان بررسی محل واقعه باید شواهد را جمع آوری کرده و اسکیچ محل واقعه را نیز اخذ نمایند.

از اشتراک کنندگان در مورد انواع اقدامات دیگر پرسید؟

قانون اجراءات جزائی جدید و قوانین دیگر وظایف و فعالیت های پولیس را در کشف جرم تصریح کرده اند، قانون حکم میکند که پولیس باید اقداماتی را بعد از وقوع جرم بمنظور حفظ آثار و شواهد جرم اتخاذ کرده مجرم را گرفتار، از فرار و پنهان شدن وی جلوگیری کرده معلومات در رابطه به جرم را نیز جمع آوری نماید.

زمانیکه جرمی در محلی واقع میگردد، اولاً پولیس باید محل را محاصره کرده و در صورت امکان مجرم را گرفتار نماید و محضر محل واقعه را ترتیب دهد. بعد از ترتیب محضر، پولیس باید از وقوع جرم به خازنوال ابتدائیه اطلاع دهد.

وظایف پولیس به دو کتگوری عمده تقسیم می‌گردد:

وظایف شکلی و وظایف ماهوی.

مبحث اول: وظایف شکلی

پولیس در جریان کشف جرایم اجراءات و شکلیات متعددی را تعقیب مینماید:

۱. ارائه گزارش وقوع جرم به خارنوال

مامورین ضبط قضائی مکلف اند تا گزارش ارتکاب جرم را بدست آورده و فوراً آنرا به پولیس مربوطه ارسال نمایند. پولیس مکلف است تا این معلومات را رسماً در جریان ۲۴ ساعت ارسال نماید. فقره ۳ ماده ۸۰ قانون اجراءات جزائی جدید تصریح مینماید که پولیس و مؤظف امنیت ملی مکلف اند، بعد از کشف جرم در خلال مدت (۲۴) ساعت، موضوع را به خارنوال مربوط اطلاع دهد.

گزارش به خارنوال نه تنها بمنظور اطلاع به وی از وقوع جرم میباشد بلکه جهت اطلاع وی از جریان تحقیق نیز میباشد، پولیس عدلی بعد از تکمیل استنطاق مکلف است تا گزارش اجراءات خود را به خارنوال ابتدائیه فرستاده و مظنون را جهت تحقیقات بعدی و استنطاق به خارنوال تسلیم نماید.

۲. ثبت اقدامات و اجراءات

در واقع گزارش فعالیت های مسئولین تطبیق قانون که پولیس نیز مشمول آن میباشد، اجراءات، آزمایشات تخصصی و تخنیکی اهل خبره، اظهارات مظنون، متهم، شهادت شهود، و دفاع وکیل مدافع همه باید کتبا به شکل اسناد رسمی ثبت گردند.

این وظایف در مواد ۳۷ و ۳۸ قانون اجراءات جزایی در مورد اظهارات شهود، ماده ۴۸ این قانون برای اهل خبره، ماده ۸۵ قانون مذکور در مورد ثبت اقدامات ایکه جهت کشف جرم صورت گرفته است و ماده ۸۶ قانون متذکره در مورد محضر گرفتاری درج گردیده است.

پولیس در حال انجام وظایف مکلف است تا فعالیت های خویش را توسط یکی از مامورین پولیس ایکه در عملیات سهیم است ثبت نماید، قابل ذکر است آنچه که ثبت نشود دارای ارزش حقوقی نمیباشد. نقض احکام قانون منجر به غیر قابل قبول بودن دلایل میگردد و مطابق ماده ۲۱ قانون اجراءات جزائی هر دلیل ایکه در نتیجه نقض احکام قانون اجراءات جزائی یا قوانین دیگر بدست آمده باشد باید از دوسیه بیرون کشیده شده، مهر گردیده و از دلایل دیگر جدا نگهداری گردد.

۳. تطبیق اوامر خارنوال

یکی از وظایفی که پولیس مکلف به انجام آن میباشد رعایت و انجام هدایات مسئولین عدلی میباشد، مطابق فقره ۱ ماده ۲۹ قانون اجراءات جزائی گذشته پولیس عدلی وظایف خود را به دستور خارنوال ایفا مینماید. خارنوال گزارش میدهد و تصامیم پولیس را مرور نموده و در مورد هدایات لازم صادر مینماید. ماده ۲۹ قانون اجراءات جزائی مؤقت برای محاکم: پولیس عدلی وظایف خود را تحت نظارت و دستور خارنوال ایفا مینماید.

قانون اجراءات جزائی جدید این اصل را به شکل صریحی اتخاذ نکرده است، اما بعوض آن مواد متعددی در مورد تأکید به مراجعه و گزارش دهی به خارنوال وجود دارند و مواد ایکه به خارنوال صلاحیت نظارت و مرور تصامیم پولیس را اعطا میکند بسیار اند طور مثال فقره ۳ ماده ۸۰ و فقره ۱ ماده ۸۷ چنین مشعر است پولیس مکلف است حد اکثر الی (۷۲) ساعت بعد از گرفتاری مظنون، محضر اجراءات را با اوراق، اسناد و دلایل جمع آوری شده رسماً به خارنوال ی ارایه نموده و مظنون را نیز غرض تحقیق به خارنوال ی مربوط بسپارد، ماده ۸۸ صلاحیت خارنوال در رهایی یا توقیف مظنون را تصریح مینماید، طبق ماده ۸۹ هرگاه خارنوال بعد از تسلیمی اوراق قضیه تشخیص نماید، که در ترتیب محاضر، اجراءات کشف و جمع آوری دلایل اثبات، احکام قانون رعایت نگردیده یا دلایل کافی برای اجراءات بعدی جمع آوری نه شده است، موضوع را جهت اجراءات سالم به مراجع کشفی مربوط محول می نماید. ماده ۹۰ به خارنوال صلاحیت میدهد تا هرگاه تشخیص نماید که قضیه متضمن جنبه های دیگر جرمی بوده یا اشخاص دیگر بحیث شریک جرم وجود دارد که دلایل علیه او جمع آوری نه شده است، میتواند به تحقیق

قضیه روی دلایل موجود اجراءات و در عین حال پولیس وسایر مراجع ضبط قضائی را به اجراءات لازم و جمع آوری دلایل هدایت بدهد.

یکی از نکات ضعف ایکه در قانون اجراءات جزائی جدید مشاهده میگردد در رابطه به صلاحیت های انضباطی میباشد، مطابق ماده ۹۱ این قانون هرگاه خرنوال در جریان تحقیق تشخیص نماید که پولیس و مؤظف امنیت ملی در اجراءات مربوط به قضیه مرتکب تخلفات قانونی گردیده است، موضوع را حسب احوال غرض اتخاذ تصمیم قانونی به مقام ذیصلاح اداره مربوط محول می نماید وی نمیتواند تا اقدامات انضباطی علیه آنان بکار گیرد.

۴. محرمت (محرمت معلومات)

محرمت یکی از موضوعات اساسی و بنیادین در روند عدالت جزائی میباشد که باید توسط اشخاص مسلکی عدالت جزائی در نظر گرفته شود. معلوماتی که پولیس در جریان تحقیقات ابتدائی و کشف از مظنون یا از محل واقعه بدست میآورد، باید از افشای آن خودداری گردد مگر بموجب قانون. ممکن افشای چنین معلوماتی به حقوق و حیثیت اشخاص و منافع عامه صدمه وارد نماید. فلهاذا، پولیس نباید معلومات را افشا نماید.

ماده ۳۰ قانون پولیس در مورد چنین اشعار دارد:

- پولیس مکلف است معلوماتی را که حین اجرای وظیفه یا به علت اجرای آن کسب نموده و افشای آن به حقوق و حیثیت اشخاص یا منافع عامه صدمه وارد نماید، حفظ نماید. افشای این معلومات بحز از مواردیکه قانون حکم نموده باشد، جواز ندارد. پولیس بعد از انفصال وظیفه نیز حق افشای معلومات متذکره را ندارد. در تمام حالات فوق افشا کننده مطابق احکام قانون مورد تعقیب عدلی قرار میگیرد.
- مسؤولین پولیس میتوانند در مورد واقعات جنایی و اجراءات پولیس مطابق احکام قانون با نماینده گان رسانه های همگانی مصاحبه نمایند.

مبحث دوم: وظایف ماهوی پولیس

این وظایف اقداماتی را که توسط پولیس در جریان استنطاق و جمع آوری شواهد اتخاذ میگردد، تنظیم مینماید.

۱. رعایت و تأمین حقوق مظنون و متهم:

تطبیق اصل برائت ذمه

چنانچه در فوق ملاحظه نمودیم که اصل برائت الذمه حیثیت ستون فقرات هر رسیده گی جزائی را دارا میباشد. این اصل از آغاز الی انجام اجراءات ملاحظه میگردد و هدف آن اثبات بیگناهی نه بلکه دریافت حقیقت میباشد.

بمنظور اینکه تنها موضوع تیوری نباشد، ماده ۴ قانون اجراءات جزائی جدید دو حالت حقوقی را برای شخصیکه تحت تعقیب جزائی میباشد، تفکیک مینماید: مظنون و متهم، با اساس فقره ۱۱ این ماده مظنون شخصی است که به اساس سؤظن به نسبت ارتکاب جرم تحت اشتباه قرار گرفته یا اینکه قبل از نسبت دادن اتهام به وی در مورد او تدابیر احتیاطی اتخاذ شده باشد. طور عمومی وی شخصی است که تحت قانون اجراءات جزائی قرار میگردد زیرا ظن ارتکاب جرم در مورد وی وجود دارد.

فقره ۱۳ همین ماده متهم را اینگونه تعریف کرده است: متهم شخصی است که بنابر ارزیابی دلایل اثبات جمع آوری شده هنگام تحقیق، بحیث مرتکب جرم تشخیص و اتهام بروی وارد گردیده باشد. لذا در مرحله کشف تا زمانیکه اتهام نامه توسط خارنوال ترتیب گردد شخص مظنون گفته میشود و خارنوال صلاحیت دارد بعد از انجام تحقیقات قضیه را حفظ و یا اتهام را به شخص نسبت دهد که در نتیجه شخص مظنون متهم نامیده میشود.

حق گرفتن وکیل مدافع

حق گرفتن وکیل مدافع برای متهم یکی از حقوق اساسی ایست که توسط احکام مندرج قانون اجراءات جزائی شناخته شده است. ماده ۹ قانون متذکره بیان مینماید که مظنون و متهم میتوانند در هر مرحله از تعقیب عدلی نماینده قانونی داشته باشند. این حکم تطبیق اصل متذکره ماده ۷ قانون اجراءات جزائی

جدید را میرساند که در فقره ۸ این ماده تصریح گردیده است که مظنون و متهم در مراحل مختلفی از تعقیب عدلی دارای حق^۱ گرفتن وکیل مدافع، یا داشتن مساعد حقوقی میباشند، ماده ۱۰ قانون اجراءات جزائی جدید موارد ایرا که مساعد حقوقی برای مظنون یا متهم با موافقت وی تعیین میگردد ذکر کرده است: هرگاه مظنون یا متهم بی بضاعت، کر یا گنگ و یا کر و گنگ یا نابینا بوده یا نارسایی ذهنی داشته باشد، به موافقه وی برای او مساعد حقوقی تعیین میگردد. برخلاف قانون اجراءات جزائی مؤقت، قانون اجراءات جزائی جدید تصریح نکرده است که آیا اجرت وکیل مدافع از بودیجه دولت پرداخته میشود یا خیر.

مطابق فقره ۴ ماده ۹ قانون اجراءات جزائی جدید هرگاه شخص به جرمی مظنون یا متهم گردد که قانون، جزای آنرا حبس طویل یا بیشتر از آن پیش بینی نموده باشد، داشتن وکیل مدافع در اجراءات تعقیب عدلی ضروری پنداشته می شود.

مطابق قانون اجراءات جزائی جدید تعداد وکلای مدافع برای هر متهم از سه وکیل تجاوز نمیکند و این حکم مانع دفاع یک وکیل از چندین مظنون یا متهم در عین قضیه نمیگردد مشروط بر اینکه هیچ تضاد منافعی میان مظنونین و متهمین وجود نداشته باشد.

پرسش از اشتراک کننده گان: آیا شما فکر میکنید که محدود ساختن تعداد وکلای مدافع حق داشتن وکیل مدافع را تحت تأثیر قرار داده یا اینکه یکی از شیوه های تنظیم محاکمه میباشد؟

حق داشتن ترجمان

چی خواهد شد هرگاه شخص متهم به جرم به زبان ایکه به آن محاکمه صورت میگیرد علم نداشته باشد؟ در صورت مواجه شدن به چنین مانعی حق محاکمه عادلانه اشخاص چگونه تأمین گردیده میتواند؟

چنانچه میدانیم افغانستان کشور ایست با ملیت های متنوع و مرکب از گروه های قومی مختلف. در حالیکه ماده ۴ قانون اساسی افغانستان اقوام افغانستان را چنین برمی شمارد: ملت افغانستان متشکل از

^۱ فقره ۳۴ ماده ۴ تعقیب عدلی را منحیث تعقیب یک قضیه جزائی و مرتکب آن تعریف کرده است که در برگیرنده مراحل تعقیب، کشف، و تحقیق جنائی، محاکمه، و تطبیق حکم محکمه میباشد.

اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه یی، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سایر اقوام میباشد برعلاوه بسیاری از اشخاص خارجی نیز در افغانستان زنده گی میکنند لذا بدیهی است که شخص مظنون یا متهم به عین زبانیکه مقامات قضایی متفاوت به آن تکلم مینمایند علم ندارد.

داشتن ترجمان یکی از حقوق ایست که در ماده ۷ قانون اجراءات جزائی جدید برای مظنون و متهم تضمین گردیده است. با تأمین این حق، قانون از عادلانه بودن محاکمه حفاظت میکند.

مطابق ماده ۱۱ قانون اجراءات جزائی جدید، پولیس، شارنوال ی و محکمه مکلف اند برای مجنی علیه، مظنون یا متهمی که زبان مورد استفاده در اجراءات تعقیب عدلی را نداند یا کر یا گنگ و یا کر و کنگ باشد، زمینه حضور ترجمان را میسر سازند. برای اشخاص بی بضاعت در احوال مندرج ماده دهم این قانون به مصرف دولت ترجمان استخدام میگردد.

ترجمان مکلف است، موضوع محوله را طور دقیق و کامل ترجمه نماید، در صورت ترجمه غلط، متناسب با نتایج بیار آورده، طبق احکام قانون مورد تعقیب عدلی قرار میگیرد.

حق اطلاع از اتخاذ اقدامات مختلف علیه وی

بمنظور اینکه مظنون یا متهم بتوانند به بهترین وجه از خود دفاع نمایند، پولیس، شارنوال، و محکمه مکلف اند تا به مظنون و متهم از حقوق وی معلومات کافی ارائه نمایند جهت اینکه مظنون یا متهم از ماهیت این حقوق خود آگاه گردد. محض اطلاع از حقوق کافی نخواهد بود زیرا اکثر اشخاص در افغانستان از قوانین آگاهی ندارند و نمیدانند که آیا قانون حقوقی برای شان مقرر نموده است و یا خیر. در خصوص اطلاع از حقوق تأکید میگردد که مظنون/متهم از حقوق خود آگاه بوده، وی از حق سکوت برخوردار میباشد زیرا وی ممکن چیزی بگوید که به ضرر اش تمام شود، وی از حق مشاوره با وکیل مدافع خود نیز برخوردار میباشد. طبق فقره ۱ ماده ۷ قانون اجراءات جزائی جدید یکی از حقوق ایکه مظنون و متهم در مراحل تعقیب عدلی از آن برخوردار میباشند دانستن جرم نسبت داده شده و کسب توضیحات درمورد اتهام وارده و اجراءات قضیه به وی میباشد.

بر مبنای این اصل و مطابق ماده ۸ قانون اجراءات جزائی جدید پولیس حین گرفتاری، خارنوال قبل از آغاز تحقیق و قاضی قبل از محاکمه مکلف اند، حقوق مظنون و متهم یا نماینده قانونی آنها را توضیح، موضوع را در محضر درج و امضاء و نشان انگشت او را اخذ نمایند.

حق سکوت

این حق دربرگیرنده یک تعداد موضوعات ایست در خصوص حقوق مظنون یا متهم در امتناع، ابراز نظر یا ارائه پاسخ به سوالات، قبل یا در جریان تعقیب عدلی در محکمه میباشد. این حق میتواند حق امتناع از مجرم انگاشتن خویش یا حق سکوت در جریان استجواب میباشد. این حق معمولاً دربرگیرنده احکامی است که اظهارات را رد کرده یا در خصوص امتناع مدعی علیه از ارائه پاسخ به سوالات قبل و یا در جریان محاکمه، رسیده گی یا تعقیب عدلی، توسط قاضی یا هیئت قضائی استنباط صورت گرفته نمیتواند.

این حق در نظام حقوقی افغانستان تضمین گردیده است. مطابق فقره ۷ ماده ۷ قانون اجراءات جزائی جدید استفاده از حق سکوت و امتناع از هر گونه اظهارات منحصراً یکی از حقوق اساسی ایست که در مراحل مختلف تعقیب عدلی برای مظنون یا متهم شناخته شده است. اظهارات مظنون یا متهم باید در فضای کاملاً آزاد از لحاظ روانی اخذ گردد لذا آنان حق دارند تا از هرگونه اظهاراتی امتناع ورزند حتی اگر توسط پولیس مؤظف یا مسئولین قضایی مورد استجواب قرار گیرند و در صورت استفاده از این حق آنان باید از هرگونه اعمال فشار یا خشونت میبرا باشند. حق سکوت به این دلیل وجود دارد که متهم تا زمانیکه اتهام علیه وی ثابت نگردد بیگناه پنداشته میشود و وی نمیتواند مجبور با شهادت دادن علیه خود به قضیه اش صدمه وارد نماید. مطابق فقره ۱ ماده ۲۲ قانون اجراءات جزائی جدید مامور ضبط قضائی، خارنوالی و محکمه در هیچ حالت اجازه ندارند، خود یا از طریق شخص دیگر با رفتار سؤ، استعمال مواد مخدر، شکنجه، اکراه، خواب مقنطیسی، تهدید و تخویف یا وعده دادن به منفعتی که در قانون جواز ندارد، مظنون یا متهم را به اظهار یا اقرار مجبور نمایند.

جهت حفظ این حق هر گونه نقض آن با بی اعتبار ساختن اجراءات قابل مجازات میباشد چنانچه فقره دوم ماده متذکره بیان مینماید که اظهار یا اقراریکه از مظنون یا متهم برخلاف قانون اخذ شده باشد، قابل استناد نمی باشد.

۲. گرفتاری مظنون

گرفتاری عبارت است از توقیف شخص جهت پاسخگویی در رابطه به جرم ارتکاب یافته میباشد. در اصل گرفتاری زمانی جواز دارد که پولیس "دلیل احتمالی" داشته باشد مبنی بر اینکه جرم توسط مظنون ارتکاب یافته است.

پرسش از اشتراک کننده گان: بر مبنای کدام دلایل پولیس یا خارنوال شخص مظنون را گرفتار نماید؟

پاسخ موارد ذیل را در بر خواهد داشت:

- بمنظور جلوگیری از فرار مظنون
- بمنظور تحقیق از مظنون
- تلاشی بدن مظنون و اشیای مربوط به وی
- دادن فرصت به مظنون تا در مورد جرم ارتکاب یافته اظهار نظر نماید
- آماده ساختن محل مصئون برای مظنون
- جلوگیری از تماس مظنون با اشخاص دیگر
- تشویق مظنون جهت کمک با پولیس
- توضیح صلاحیت های پولیس و خارنوال در خصوص مظنون

طبق ماده ۸۰ قانون اجراءات جزائی جدید پولیس باید جرایم را کشف، شواهد را جمع آوری و مظنون را تعقیب و گرفتار نماید.

"مکلفیت" بر مبنای قانون مسئولیتی را ایجاد میکند و شخصیکه مکلف به اجرای عملی است قانونا مسئول انجام فعل مذکور میباشد.

گرفتاری عبارت است از توقیف شخص جهت پاسخگویی در رابطه به جرم ارتکاب یافته میباشد. قانون اساسی افغانستان تصریح مینماید که آزادی رفت و آمد یکی از حقوق اتباع افغانستان بوده و پولیس حق ندارد تا اشخاص را گرفتار و آنان را از حق رفت و آمد شان محروم نماید. هرچند، قانون به پولیس زمانی صلاحیت میدهد که "دلیل احتمالی" مبنی بر ارتکاب جرم توسط مظنون وجود داشته باشد.

قانون اجراءات جزائی جدید گرفتاری را در دو حالت مطرح میکند:

- در حالت جرم مشهود
- در حالات خاص

گرفتاری در حالت جرم مشهود

جرم مشهود یک اصطلاح حقوقی بوده و به حالتی اطلاق میشود که مجرم در حال ارتکاب جرم دریافت گردد. این اصطلاح را "جرم مشهود" یاد میکنند و به حالتی گفته میشود که مجرم آن در حالت ارتکاب جرم توسط پولیس، متضرر یا شخص دیگری تعقیب گردد.

ماده ۸۲ قانون اجراءات جزائی جدید سه حالت را برای جرم مشهود ذکر میکند:

- ۱- مرتکب حین ارتکاب جرم یا اندکی بعد از ارتکاب، مشاهده یا بلافاصله از طرف مردم گرفتار شود.
- ۲- مرتکب بعد از ارتکاب جرم، فرار و بلافاصله از طرف مجنی علیه، پولیس یا مردم شناسائی یا بالفعل تعقیب شود.

در این دو حالت قانون به اشخاص ایکه در محل واقعه حاضر اند صلاحیت میدهد تا از هر وسیله و تجهیزاتی جهت جلوگیری از فرار مجرم و تسهیل گرفتاری وی استفاده نمایند و وی را به نزدیکترین حوزه پولیس تسلیم نمایند.

پرسش از اشتراک کننده گان:

آیا فکر میکنید که ترغیب اشخاص به استفاده از هر وسیله ای جهت گرفتاری مجرم نظر خوبی است؟
آیا از این حق سوء استفاده صورت نخواهد نگرفت؟ تحریک مردم برای مبارزه علیه ارتکاب جرم منجر
به نزاع میان آنان میگردد.

ماده ۸۳ قانون اجراءات جزائی جدید تصریح مینماید که هر شخص در صورت مشاهده ارتکاب جرم مشهود
حتی المقدور از تمام وسایل و امکانات بازدارنده استفاده نموده، مانع فرار مرتکب شده، وی را به
نزدیکترین مرجع پولیس یا شارنوال ی مربوط تسلیم دهد و در صورت عدم توان او را با مشخصات لازم
شناسائی و کتباً یا شفهاً بمراجع مذکور معرفی و از واقعه اطلاع دهد.

نظریات متعددی در اینجا مطرح میگردد مثلاً مشخصات وسایل و امکاناتی که اشخاص میتوانند استفاده
نمایند تذکر نگردیده است، چی خواهد شد اگر آنان از سلاح (تفنگچه، چاقو...) استفاده نمایند. چی
خواهد شد اگر آنان علیه شخص گرفتار شده مرتکب خشونت گردند؟ مخصوصاً اگر متضرر در میان آنان
باشد؟ در اینحالت متضرر به انتقام گیری اقدام خواهد کرد و در چنین حالتی مفکوره عدالت و حاکمیت
قانون موضوع مخاطره آمیز خواهد گردید.

۳- در صورتیکه شخص در محل واقعه با سلاح یا اشیائی گرفتار شود که وضع موجود بر فاعل
بودن شخص و استعمال اشیای مذکور در جرم ارتکاب شده دلالت نماید.

باوجود اینکه یکی از حالات فوق تکمیل گردد جرم زمانی مشهود گفته میشود که جنایت بوده و یا جنبه
ای باشد که مجازات آن حبس متوسط باشد (ماده ۸۱ قانون اجراءات جزائی جدید)، لذا هر جنبه ایکه
مجازات آن حبس قصیر باشد جرم مشهود گفته نمیشود و همچنان در قباحت جرم مشهود وجود ندارد.

گرفتاری در حالات خاص

مزید بر جرم مشهود پولیس میتواند در حالات خاصی که در قانون اجراءات جزائی جدید تصریح گردیده
است، اشخاص را گرفتار نماید.

طبق ماده ۸۱ قانون اجراءات جزائی جدید پولیس و مؤظف امنیت ملی میتوانند به صلاحیت خود شخصی را که به حیث مرتکب جرم جنایت شناسائی یا قلمداد شده است، احتمال فرار و غایب شدن او متصور باشد، گرفتار نمایند.

ماده ۹۷ قانون اجراءات جزائی جدید حالات دیگری را طور ذیل اضافه مینماید:

- هرگاه شخص مطلوب بدون داشتن عذر مؤجه ازقبول امر احضارسر پیچی نماید.
- در حالتیکه خوف اخفاء یا فرار وی با قرائن روشن مدلل باشد و یا آزادی وی باعث ضیاع آثار وعلایم جرمی گردد.
- در حالتیکه شخص مطلوب در حوزه مورد نظر محل سکونت معین نداشته باشد.

میعاد گرفتاری

قانون اجراءات جزائی مؤقت برای محاکم میعاد گرفتاری را ۲۴ ساعت تعیین نموده است، برعکس قانون اجراءات جزائی جدید این مدت را به ۷۲ ساعت تمدید کرده است، مطابق ماده ۸۷ این قانون پولیس مکلف است حد اکثر الی (۷۲) ساعت بعد از گرفتاری مظنون وی را به خارنوال ی مربوط بسپارد.

۳. وظایف پولیس بعد از گرفتاری

وظایف عادی

در جرم مشهود هیچ تفاوتی با بقیه جرایم از لحاظ وظایف و فعالیت هائیکه پولیس و مؤظفین امنیت ملی در زمان کشف جرم انجام میدهند وجود ندارد.

پولیس عدلی بعد از گرفتاری مظنون مطابق ماده ۸۰ قانون اجراءات جزائی جدید مکلف به مشاهده محل واقعه و تثبیت و تصویر اوضاع و احوالیکه بیانگر حدوث واقعه باشد، شناسائی نوع جرم، مرتکب و متضرر، گرفتاری و تلاشی مظنون در صورت لزوم، تشخیص اسناد و مدارک مربوط به جرم، مرتکب و شناسائی اشخاص حاضر در محل واقعه حین وقوع و ثبت اظهارات مظنون، متضرر، مجنی علیه و

شهود محل واقعه میباشند. مامورین ضبط قضائی مکلف به اتخاذ تدابیر لازم بمنظور حفظ آثار و ضبط اشیای متعلق به جرم، ترتیب محضر، معاینات محل و سایر اجراءات مربوط میباشند.

پولیس و مؤظف امنیت ملی مکلف اند، بعد از کشف جرم در خلال مدت (۲۴) ساعت، موضوع را به خارتوال مربوط اطلاع دهد.

وظایف خاص مرتبط به جرم مشهود

علاوه بر وظایف عادی قانون اجراءات جزائی جدید وظایف خاصی را که مرتبط به جرم مشهود است نیز تصریح کرده است.

اولین وظیفه ایکه پولیس باید انجام دهد اینست که حین رسیدن به محل واقعه از خروج اشخاص ایکه جرم را مشاهده کرده اند الی ترتیب محضر جلوگیری کند.

دوم، پولیس میتواند هر شخص ایرا که معلومات بیشتر در مورد جرم ارئه کرده بتواند احضار نماید.

پولیس طبق ماده ۸۵ قانون اجراءات جزائی جدید مکلف به ثبت تمام اجراءات اند تا اینکه به حیث اسناد رسمی شناخته شوند. این اسناد کتبی شامل:

- شناسائی نوع جرم، مجرم و متضرر
- متن کامل یا خلاص اظهارات مظنون، متهم، متضرر، شهود و نظر اهل خبره که در جریان اجراءات حاصل گردیده است.
- اظهارات مظنون، متهم، متضرر، مجنی علیه، مدعی حق العبد، شهود و حاضرین و معلومات دهندگان محل واقعه باید حاوی امضاء آنها باشد. اگر شخص توانائی امضاء را نداشته باشد، میتواند انگشت بگذارد. در صورتی که این اشخاص از امضاء کردن امتناع ورزند یا امکانات اخذ امضاء یا نشان انگشت آنها میسر نباشد مامور مؤظف مکلف است موضوع را یادداشت، ثبت و امضاء نماید.

- طبق ماده ۸۶ قانون اجراءات جزائی جدید پولیس و مؤظف امنیت ملی مکلف اند از جریان گرفتاری مظنون، محضر ترتیب نمایند. محضر مذکور حاوی مطالب ذیل می باشد:
۱. علت گرفتاری.
 ۲. تاریخ گرفتاری با ذکر ساعت، روز، ماه و سال.
 ۳. محل گرفتاری.
 ۴. اظهارات ابتدائی شخص گرفتار شده.
 ۵. چگونگی شرح واقعه.

مبحث سوم: نظارت خارنوال بر اجراءات پولیس

ارجاع قضیه به خارنوال

چنانچه ملاحظه نمودیم پولیس و مؤظفین امنیت ملی مکلف اند در جریان ۲۴ ساعت بعد از کشف جرم به خارنوال اطلاع دهند. در صورت گرفتاری و مطابق ماده ۸۷ قانون اجراءات جزائی جدید پولیس مکلف است حد اکثر الی (۷۲) ساعت بعد از گرفتاری مظنون، محضر اجراءات را با اوراق، اسناد و دلایل جمع آوری شده رسماً به خارنوال ارایه نموده و مظنون را نیز غرض تحقیق به خارنوال مربوط بسپارد.

محضر مذکور حاوی مطالب ذیل میباشد:

- ۱- نوع واقعه جرمی.
- ۲- محل و تاریخ وقوع جرم و جریان گرفتاری مظنون.
- ۳- آغاز کشف و اتمام آن.
- ۴- شهرت، نشان انگشت، عکس و سایر مشخصات مظنون.
- ۵- شهرت شاهدان عینی در قضیه و سایر اشخاصیکه اظهارات شان اخذ و از آنها در زمینه معلومات حاصل گردیده است.
- ۶- شرح چگونگی قضیه و اظهارات مجنی علیه، مظنون، شاهد و گزارش اهل خبره.

۷- ذکر تعداد اوراق و مدارک بدست آمده.

۸- هویت مؤظفین کشف و امضای آنها.

۹- سایر موارد یکه ذکر آن در مورد واقعه جرمی ضروری تشخیص گردد.

هرگاه در قضیه جرمی، مظنون تشخیص و گرفتار نشده باشد، پولیس مکلف است، تدابیر لازم را جهت تشخیص و گرفتاری وی اتخاذ نموده، حکم گرفتاری مظنون را در صورت موجودیت دلایل از مرجع ذیصلاح اخذ و نتیجه را به خارنوال مربوط گزارش دهد.

هدف از ارجاع قضیه به خارنوال اینست تا به خارنوال اجازه داده شود تا اینکه تحقیق را آغاز نماید و یا بر اجراءاتیکه توسط پولیس صورت گرفته است نظارت نماید.

صلاحیت خارنوال بر فیصله اتخاذ شده توسط پولیس

خارنوال صلاحیت قانونی خویش را بر اقدامات پولیس اعمال و میتواند فیصله پولیس مبنی بر گرفتاری و اجراءات کشفی را ارزیابی نماید.

✓ ارزیابی گرفتاری

ماده ۸۸ قانون اجراءات جزائی جدید مقرر میدارد که خارنوال بعد از دریافت محضر مندرج ماده هشتاد و ششم این قانون در صورتیکه مطابق احکام مندرج این قانون توقیف مظنون ضروری نباشد، فوراً امر رهائی وی را حسب احوال، بقید کفالت بالمال یا بدون آن صادر می نماید، در صورتیکه خارنوال، توقیف مظنون را غرض اكمال تحقیق لازم داند، حسب احوال امر توقیف او را در حدود احکام این قانون صادر میکند.

قابل ذکر است که مراجعه به ماده ۸۶ در اینجا مناسب نمیشد زیرا ماده متذکره تنها ترتیب محضر گرفتاری را بحث میکند، اما محضر مزبور نمیتواند مبنایی برای ارزیابی در صورت عدم موجودیت معلومات مرتبط به نوع واقعه جرمی، اظهارات متضرر، شهود و مظنون و جمع آوری مدارک باشد. بدون این معلومات

خارنوال نمیتواند فیصله گرفتاری را بصورت درست بررسی نماید، در نتیجه بهتر خواهد بود تا به ماده ۸۷ مراجعه صورت گیرد نه به ماده ۸۶.

بمنظور تأمین مؤثریت کشف جرم طبق فقره ۳ ماده ۸۸ قانون اجراءات جزائی جدید در صورتیکه اجراءات مربوط حضور متناوب متهم را ایجاب نماید و متهم قابل توقیف نباشد، خارنوال می تواند به تدابیری احتیاطی، حاضری به دفتر پولیس، منع خروج از شهر یا ناحیه مربوط و یا ضمانت احضار او را مکلف سازد.

✓ ارزیابی اجراءات کشفی

تمام اجراءاتیکه توسط پولیس در مرحله کشف صورت گرفته است ارزیابی خارنوال را ایجاب مینماید و وی میتواند آنرا تأیید نموده و یا به اصلاحات یا اجراءات تکمیلی امر نماید.

طبق ماده ۸۹ قانون اجراءات جزائی جدید هرگاه خارنوال بعد از تسلیمی اوراق قضیه تشخیص نماید، که در ترتیب محاضر، اجراءات کشف و جمع آوری دلایل اثبات، احکام قانون رعایت نگردیده یا دلایل کافی برای اجراءات بعدی جمع آوری نه شده است، موضوع را جهت اجراءات سالم به مراجع کشفی مربوط محول می نماید.

طبق ماده ۹۰ هرگاه خارنوال تشخیص نماید که قضیه متضمن جنبه های دیگر جرمی بوده یا اشخاص دیگر بحیث شریک جرم وجود دارد که دلایل علیه او جمع آوری نه شده است، میتواند به تحقیق قضیه روی دلایل موجود اجراءات و در عین حال پولیس و سایر مراجع ضبط قضائی را به اجراءات لازم و جمع آوری دلایل هدایت بدهد.

صلاحیت قانونی خارنوال از ارزیابی عادی اجراءات پولیس الی تأثیر بر اقدامات انضباطی فراتر می رود هرگاه خارنوال در جریان تحقیق تشخیص نماید که پولیس و مؤلف امنیت ملی در اجراءات مربوط به قضیه مرتکب تخلفات قانونی گردیده است، موضوع را حسب احوال غرض اتخاذ تصمیم قانونی به مقام ذیصلاح اداره مربوط محول می نماید (ماده ۹۱).

فعالیت شماره (۲)

قضیه فرضی:

فرشته توسط علی مورد تجاوز جنسی قرار می گیرد. بعد از آنکه فرشته از پولیس کمک می خواهد، پولیس دست به کار می شود و موفق می شود در ظرف سه روز علی را گرفتار نماید. برای انجام تحقیقات ابتدایی علی برای چهار روز در توقیف خانه کابل نگهداری می شود اما پولیس تا هنوز نتوانسته است که تحقیقات و کشفیات را تکمیل نماید.

پولیس در مدتی که در پی گرفتاری علی بود، فرشته را برای مدت ۲ روز در توقیف خانه نگهداشت گرچه فرشته از پولیس خواسته بود که وی را رها کند. فرشته نسبت به طرز رفتار پولیس مشکوک است. به باور وی پولیس وی را در توقیف خانه اناث که تمام کارکنان آن زن است بدون کدام دلیل موجه و بدون آگاهی فامیلش از جریان واقعه نگهداری نموده است.

آیا پولیس با فرشته مطابق قانون رفتار نموده است؟ اگر بلی، مطابق کدام مواد قانون؟
آیا مدت زمانی را که علی در توقیف خانه بسر برده است مطابق قانون است یا خیر؟ اگر شما پولیس می بودید، چه کار می کردید؟

فعالیت شماره (۳)

قضیه فرضی:

مامور پولیس دلایل موجه را به دست آورده است که نشان می دهد خان محمد مرتکب جنایتی شده است که مجازات آن اعدام است.

آیا مامور پولیس می تواند به طور قانونی خان محمد را گرفتار کند؟

آیا شما می توانید حقایقی را متذکر شوید که از خطر فرار در همچو حالات جلوگیری نماید؟

آیا بر اساس حالات گرفتاری، جرم مشهود از جرم غیرمشهود تفاوت دارد؟

اگر مامور پولیس عبدالله را در حالت ارتکاب جنحه مشهود که مجازات آن حبس متوسط یا قصیر است ببیند.

آیا طبق قانون مامور پولیس می تواند وی را گرفتار نماید؟

اگر مامور پولیس جرم ارتکابی را مشاهده ننموده باشد اما شخص دیگری وی را چند روز بعد تر با خبر سازد، چه اقدامی باید صورت گیرد؟

اگر مجازات جرم ارتکاب یافته فقط حبس قصیر باشد، چطور؟

نتیجه گیری

در این درس ما در باره ترکیب پولیس افغانستان و مصونیت و مسئولیت جزائی آنها صحبت کردیم. ما بالای وظایف پولیس در هنگام کشف جرایم مانند ارائه گزارش وقوع جرم به خارنوال ، ثبت اقدامات و اجراات، و تطبیق هدایات خارنوال تمرکز نمودیم. پولیس مکلف است تا در هنگام استنطاق یا گرفتاری مظنون حقوق وی را که در قانون تصریح شده است، رعایت نماید. ما همچنین بالای اقدامات عاجل توسط پولیس عدلی قبل از ارسال دوسیه به خارنوالی تاکید نمودیم.

فهرست مأخذ

۱. قانون اساسی، ۱۳۸۲.
۲. قانون اجراءات جزائی، ۱۳۹۳.
۳. قانون پولیس، ۱۳۸۸.
۴. قانون وکلای مدافع، ۱۳۸۶.
۵. کود جزا، ۱۳۹۶.
۶. حسین غلامی، مبانی حقوق و عدالت جزائی افغانستان، ص ۲۱۲.